

این تئاتر حرف طبقه محروم را می زند

■ به نظر همین‌که شما دغدغه اجتماعی در اجرای تئاتر دارید خیلی خوب است و نصف بیشتر راه را رفته‌اید. من مدت‌هاست که تقریباً هر شب به تئاتر می‌روم ولی اغلب با نمایش‌های فرمالیستی و بی‌معنا مواجه می‌شوم.

تئاتر برای من زدن حرف طبقه محروم است. تئاتر برای من از جامعه دور نیست. شما اگر یک بقال خوب باشید و با مردم رابطه خوبی داشته باشید راه درست را رفته‌اید و شاید بقال‌ها از هنرمندان بهتر باشند. الان اگر تئاتر را ببندید چیز خاصی از دست نمی‌دهید چون برای مردم مهم نیست.

من اصلاً اعتقاد ندارم هنرمندان تافته جدا بافته هستند. من نماینده پیرمردی ساده و فرو دست در شهر کوه‌دشت هستم. من صدای این افراد هستم چون محل زندگی آنها روی نقشه هم نیست. خیلی از مردم محروم تریبونی ندارند. به نظر باید حرف این افراد باشیم.

■ به نظر منتهایی که به دیدن تئاترهای اجتماعی نمی‌روند در حق تئاتر ظلم کرده‌اند چون این هنر فقط به سرگرمی نمی‌پردازد و به اندیشه هم توجه ویژه دارد. خیلی از هنرمندان شهرستانی از طبقات فرودست هستند و به جشنواره تئاتر فجر آمدند تا دیده بشوند و وظیفه ماست که از شما حمایت کنیم.

صادقانه به شما می‌گویم من هنوز معروف نشدم ولی خیلی از هنرمندان تئاتر معروف شده‌اند اما به مردم توجهی ندارند. من به یک تهیه‌کننده تئاتر گفتم بیاید به من کمک کند و سالتی برابم بگیرد چون آنها شناخته شده هستند ولی کسی کاری برابرم نکرد. چرا سال‌ها به افراد مشهور توجه دارند و به ما ندارند؟ این کارها باعث شده است که تئاتر ما پیشرفت نکند. آن‌تولویون آمدند و از نمایش ما فیلم گرفتند ولی چون به طبقات محروم پرداختیم این فیلم را نشان ندادند. من که ندیدم نشان بدهند و خود کارگردان برنامه گفت نمایش شما قابل پخش نیست ولی اگر یک هنرمند مشهور بود حتماً قابل پخش می‌شد. برخی از هنرمندان هستند که پیگیر ما هستند.

نوبت محمدزاده خیلی به من کمک کرده است و درباره پروژه‌های بسیاری به من خبر می‌دهد ولی چون در شهرستان هستم امکان فعالیت ندارم. یک هنرمندی سالن اصلی تئاتر شهر را گرفته و بعد دیگران را تشویق کرده است که به جشنواره نروید. چرا او سالن اصلی را می‌گیرد ولی من نه؟ یکی دیگر کارش به جشنواره نرسیده است بعد گفته که نباید هنرمندان به جشنواره بیایند. این آدم‌ها فقط به فکر خودشان هستند.

■ اگر سیاستگذار جشنواره بودید چه کارهایی می‌کردید؟

به نظر من باید اهداف جشنواره مشخص بشود. این جشنواره در زمانی خیلی تأثیر داشت چون از امیررضا کوهستانی تا نادر برهانی مرند و کوروش نریمانی در جشنواره تئاتر فجر مشهور شدند و به جاهای بالاتر رفتند ولی من دو سال پیش در این جشنواره جایزه گرفتم و کسی به من توجهی نکرد. حتی یک سالن دولتی هم به من ندادند تا اجرا بروم. تئاتر تنها راه دیده شدن ما است و این جشنواره هم تنها جا برای اعتبار ماست.

اگر دو تا منتقد و رسانه کار ما را در فجر ببینند ما می‌توانیم پیشرفت کنیم. یک گاهی در تهران جا افتاده که می‌گویند به شهر خودتان بروید. شهر کوه‌دشت سالن ندارد اگر هم بود خیلی از مردم پول دیدن تئاتر ندارند. اگر هم بخواهیم به تهران بیاییم و تئاتر ببینیم باید ۴۰۰ هزار تومان خرج کنیم. خیلی از تئاترها هم ربطی به زندگی من ندارند چون به شکم آدم‌ها کار دارند و به اندیشه ما کاری ندارند. باید کاری کنیم جوانان شهرستانی در جشنواره تئاتر فجر دیده بشوند و اجرای عموم بگیرند. چرا من اجرای عموم نگرفتم؟ من خیلی ناراحت هستم. بازیگران من زحمت کشیدند ولی دیده نشدند. تنها یک منتقد در جشنواره تئاتر فجر اسمال درباره کار ما نوشت ولی برخی از کارهای تهرانی کلی نقد داشتند.

ادامه از صفحه ۱۳

راهنما

راهنمای تماشای جشنواره فیلم فجر / یکشنبه ۲۰ بهمن

- من می‌ترسم/بهنام بهزادی
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۹، فرهنگ ساعت ۱۶:۳۰
- قصیده‌گاو سفید/بهتاش صناعی‌ها
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۲۱:۳۰، فرهنگ ساعت ۱۹
- علم پسند/سهیل بیرقی
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۶:۳۰، فرهنگ ساعت ۲۱:۳۰
- مردن در آب مطهر/نوبید محمودی
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۷، فرهنگ ساعت ۲۲
- آبدان یازده/۶۰/مهرداد خوشبخت
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۶:۳۰، باغ کتاب ساعت ۱۹
- آن شب/کوروش آهاری
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۹، باغ کتاب ساعت ۲۱:۳۰
- پوست/بهمن وبهرام‌ارک
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۶:۳۰، باغ کتاب ساعت ۱۶:۳۰
- لباس شخصی/امیرعباس ربیعی
- سینماهای نمایش دهنده: زندگی ساعت ۲۲، موزه سینما ساعت ۱۹:۳۰، استقلال ساعت ۱۷
- دورنست/برزونیک‌زادوسعیدخانی
- سینماهای نمایش دهنده: زندگی ساعت ۱۷، موزه سینما ساعت ۲۲، استقلال ساعت ۱۹:۳۰
- روز زیلو/بهروز شعبانی
- سینماهای نمایش دهنده: زندگی ساعت ۱۹:۳۰، موزه سینما ساعت ۱۷، استقلال ساعت ۲۲
- دشمنان/علی‌درخشنده
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۷، مگامال ساعت ۱۹:۳۰، راگاساعت ۲۲
- کشتار گله/عباس امینی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۹:۳۰، مگامال ساعت ۲۲، راگاساعت ۱۷
- درخت گردو/محمدحسین مهدویان
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۲۲، مگامال ساعت ۱۷، راگاساعت ۱۹:۳۰
- آتابای/نیکو کریمی
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۹:۳۰، باغ کتاب ساعت ۲۲
- ابرارانش گرفته/مجیدبرزگر
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۲۲، باغ کتاب ساعت ۱۷، شکوفه ساعت ۲۲
- پدران/اسلام صلواتی
- سینماهای نمایش دهنده: بهمن ساعت ۱۹:۳۰، گیان ساعت ۱۷، شکوفه ساعت ۱۹:۳۰
- بی‌صدا/حزرون/بهرنگ دزفولی زاده
- سینماهای نمایش دهنده: بهمن ساعت ۲۲، گیان ساعت ۱۹:۳۰
- سه‌گام حبس/سامان سالور
- سینماهای نمایش دهنده: بهمن ساعت ۱۷، گیان ساعت ۲۲، شکوفه ساعت ۱۷
- خوب بد جلف۲:ارتش سری/پیمان قاسم‌خانی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۲۱، گالیاساعت ۱۷، تماشا ساعت ۱۹:۳۰
- سینماشهر قصه/کیوان‌علی‌محمدی،علی‌اکبر حیدری
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۶، گالیاساعت ۱۹:۳۰، تماشا ساعت ۲۲
- شای پروانه/محمدکارت
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۹:۳۰، ماندانا ساعت ۱۷، جوان ساعت ۱۹:۳۰
- خروج/ابراهیم‌حاتمی‌کیا
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۶:۳۰، ماندانا ساعت ۱۹:۳۰
- خون‌شده/مسعود کیمیایی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۹، ماندانا ساعت ۲۲، جوان ساعت ۱۷
- مغز استخوان/حمیدرضا قربانی
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۲۱، فجر اسلام‌شهر ساعت ۱۹
- تعارض/احمدرضا طلفی
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۶، فجر اسلام‌شهر ساعت ۲۱:۳۰
- روز صفر/اسعدالملکان
- سینماهای نمایش دهنده: فجر اسلام‌شهر ساعت ۱۶:۳۰
- تومان/مرتضی فرش‌یاف
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۸:۳۰، گالیاساعت ۲۲، تماشا ساعت ۱۷
- خورشید/مجید مجیدی
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۷، باغ کتاب ساعت ۱۹:۳۰

مستند و فیلم کوتاه

- امتحان/سونیا حداد
- سینمای نمایش دهنده: فرهنگ ساعت ۱۷
- بانو/محمدحبیبی منصور
- سینمای نمایش دهنده: فرهنگ ساعت ۱۹:۳۰
- برف های سپید/محمد رضاظون دوست
- سینمای نمایش دهنده: فرهنگ ساعت ۱۹:۳۰
- دایر/سعید نجاتی
- سینمای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۹:۳۰

محدثه واعظی‌پور

گفتن این جمله که «من می‌ترسم» یکی از مهم‌ترین فیلم‌های این دوره جشنواره است پیش از تماشای همه فیلم‌ها، کمی غیر حرفه‌ای و شاید نا عادلانه باشد. اما چهارمین فیلم بهنام بهزادی که کامل‌ترین فیلم او تا امروز است، تصویری تأثیرگذار و تکان دهنده از جامعه امروز ارائه می‌دهد. در این گفت‌وگو از اینکه درباره «من می‌ترسم» برای خواننده ذهنیت سازم برهیز کردم. با بهزادی درباره مسیر فیلمسازی و نگاهش به موضوع زنان و بحران‌های اجتماعی صحبت کردیم و حتی از فیلم «وارونگی» هم حرف زدیم؛ فیلمی که آن‌طور که شایسته‌اش بود، دیده نشد. «من می‌ترسم» خبر از جسارت فیلمسازی می‌دهد که با «تنها دوبار زندگی می‌کنیم»، پدیده جشنواره بیست و ششم لقب گرفت و امروز بعد از چند سال به پختگی رسیده است.

■ شما کارگردان کم‌کاری هستید، این موضوع برای دوستداران فیلم‌هایتان یک امتیاز است و باعث شده با اشتیاق به تماشای فیلمی تازه از شما بنشینند. این کم‌کاری چقدر آگاهانه و چه اندازه محصول شرایطی است که به سینمای مستقل تحمیل شده. خصوصاً که بسیاری از فیلمسازان مستقل این روزها مشغول همکاری با نهاده‌ها و ارگان‌های مختلف هستند.

این کم‌کاری اصلاً آگاهانه نیست. بعد از پایان هر فیلمی، تصمیم می‌گیرم فیلم بعدی را شروع کنم اما همان‌طور که اشاره کردید شرایط روز به روز پیچیده‌تر شده و این فاصله را اجتناب‌ناپذیر کرده است. فقط هم ماجرا، مربوط به تأمین سرمایه و مباحث مالی نیست. وقتی می‌خواهید فکر و ایده مستقلی دنبال کنید طبیعتاً موانع پیش روی شما بسیار است. بخشی از این وضعیت محصول نابرابری سازمان یافته در سینمای ماست.

■ که متأثر از فضای جامعه هم است.

بله، جامعه ما بشدت به سمت قطبی شدن پیش می‌رود. برخی فیلم‌هایی که توسط نهاده‌ها و ارگان‌ها ساخته می‌شوند از یک کمپین رسانه‌ای ویژه برخوردارند.

این حمایت از تلویزیون شروع می‌شود و به رسانه‌های مکتوب و شبکه‌های مجازی می‌رسد. این امتیازها را با روابط و قدرتی که در اکران وجود دارد، ترکیب کنید تا متوجه شوید سهم سینمای مستقل از این فضا چقدر اندک و محدود است.

■ در این شرایط زمانی که با موانع روبرو می‌شوید، انگیزه‌تان برای فیلمسازی را از دست نمی‌دهید؟ فکر نمی‌کنید فیلم ساختن راه‌گانش؟

به فیلم نساختن فکر نکرده‌ام، اما تصمیم جدی گرفته‌ام که این استقلال فکری و مالی را دست کم جدا کنم. استقلال فکری را اگر بشود حفظ کرد که خوب است و بخش مالی ما چرا را به یک تهیه‌کننده حرفه‌ای بسپارم. به این دلیل که بتواند از پروژه در مرحله تولید واکران حمایت بهتری بکند و من وقت آزاد بیشتری برای تمرکز روی کارگردانی داشته باشم.

■ «من می‌ترسم» کامل‌ترین فیلم شما تا امروز است. قصه بر تعلیق و پر کششی

نمود داشته باشد، برای من سینما وسیله سرگرمی صرف نیست. تلاش می‌کنم آن را آیین‌های در برابر آنچه اطرافم رخ می‌دهد، قرار بدهم. این فیلم در سطح اولیه بیابانگر مسائل و مواردی است که دقیقاً دل جامعه برداشت شده و در سطح بزرگ‌تر و سمبلیک، انعکاس مسائلی است که بسیاری از ما به نظری با آن مواجهیم. برای من طرح چالش و ارتباط فردیت و مسائل اجتماعی دغدغه است.

■ در پایان در «من می‌ترسم» هم نسبت به دیگر فیلم‌هایتان قطعیت بیشتری وجود دارد.

اینجا با نوعی کاتارسیس تراژیک مواجهیم. به نظر من چیزی که ما را هوشیار می‌کند و لازمه وجود بشر است و در کنار کم‌دی و فیلمنامه را به تنهایی می‌نوشتم اما این بار، فصل به فصل را با هم می‌خواندیم، نکته‌هایی را اضافه می‌کردیم و بخش‌هایی که نمی‌پسندیدیم حذف یا اصلاح می‌شد.

این شکل از کار یک امتیاز دارد، پرشش‌هایی در ما برانگیزد. احساس کردم که این شکل فیلم محل تأمل بیشتری برای بیننده دارد.

■ فیلمبرداری امین جعفری یکی از امتیازهای فیلم است، نماهای لانگ شات که از شهر گرفته و مثل موتیف تکرار شده تأکیدی است بر مان و مکان وقوع قصه. فیلمبرداری بدون اینکه جلوه گرانه باشد متناسب با فضای قصه است.

من با امین جعفری در «قاعده تصادف» همکاری کرده بودم و این فیلم برای هر دو ما نتیجه بلوغ و پختگی است. نکته مهم حضور این دوستان، در این فیلم با درام جاندارتری روبه‌رویم.

■ در فیلم «من می‌ترسم» با بازیگرهایی همکاری کرده‌اید که می‌توانند روی فروش فیلم و بیشتر دیده شدن آن نقش پررنگی داشته باشند. این محصول رویکردی تازه برای جذب مخاطب بیشتر است؟

مهم‌ترین نکته برای من این است که بازیگر در نقش جا بیفتد. گاهی جنس بازیگر به شخصیت نزدیک است و گاهی، این نزدیک شدن در مرحله ساخت فیلم اتفاق می‌افتد. از دغدغه‌ها و دلمشغولی‌هایم در فیلمسازی کوتاه نمی‌آیم، همچنین از اینکه بازیگر باید متناسب با نقش باشد و اگر نه انتخابش نمی‌کنم. استفاده از بازیگرها اگر تصمیمی برای بازگشت سرمایه و بیشتر دیده شدن فیلم باشد، امتیاز است.

■ فیلم‌های شما، شاید در آن تعریف مرسوم از «سینمای اجتماعی» دسته‌بندی نشوند، اما در همه آنها می‌توان حال و هوا و نشانی از مسائل اجتماعی را دید. اما «من می‌ترسم» شاید بیشتر از فیلم‌های قبلی متأثر از شرایط اجتماعی روز است. این بار به موضوع‌هایی مثل شبکه‌های اجتماعی، مهاجرت و...

مستقیم اشاره کرده‌اید.

به عنوان فیلمسازی که در این جامعه زندگی می‌کند و با آن ارتباط دارد، برایم مهم است تأثیری که از جامعه می‌گیرم در فیلم‌هایم

به دنیای زنان هستیم. فیلم‌های شما بدون حاشیه و سر و صدا، تصویری را از زنان امروز جامعه و مسائل شان مطرح می‌کنند.

من اصولاً اهل هیاهو نیستم. «وارونگی» وقتی در جشنواره نمایش داده شد، جشنواره به سادگی از کنار آن عبور کرد.

■ البته طبیعی است که جشنواره فیلم فجر به چنین فیلمی توجه نکند اما کمی عجیب است که منتقدان و نویسندگان سینمایی ساده از کنار فیلم گذشتند.

جشنواره با خودش هژمونی می‌آورد که همه را با خود می‌برد، بعد از جشنواره و در اکران عمومی، افراد بسیاری به من گفتند ما «وارونگی» را زمان جشنواره درست ندیدیم. من فکر می‌کنم این بخشی از فضایی است که من در آن کار می‌کنم. یعنی در یک قیاس دور ترجیح می‌دهم فیلم شبیه کتاب باشد، نه یک روزنامه که جذاب باشد، همان روز خواننده و فردا فراموش شود. در زیست خودم این طور هستم و در فیلم‌هایم همین دیدگاه را دنبال می‌کنم. همیشه برایم به طور کلی مسائل انسان‌ها و به شکل جزئی‌تر مساله زنان مهم است. زن‌ها نیمی از جامعه و در اطراف ما هستند، نمی‌شود صحبت از انسان و جامعه کرد و موقعیت و جایگاه زنان را در این شرایط در نظر نگرفت.

از هر سو که نگاه کنیم شرایط زنان پیچیده‌تر و دراماتیک‌تر از مردان است. من بدون اینکه خیلی به خودم سفارش بدهم معمولاً در همین چارچوبی که کار می‌کنم نقش زنان را پررنگ و برجسته می‌بینم.

■ ستاره پسیمانی و الناز شاکردوست دو بازیگری هستند که نقش‌های مهمی را در فیلم بازی کرده‌اند. ستاره در «وارونگی» یکی از نقش‌های مکمل را بازی کرده بود. او بسیار بازیگر توانایی است و در تئاتر، کارنامه‌ای متنوع و جذاب دارد. همکاری در «وارونگی» باعث شد او را برای «من می‌ترسم» انتخاب کنید؟ حضورش یکی از امتیازهای فیلم است.

من ستاره را از سال‌ها قبل از تئاترهایش می‌شناختم و تجربه همکاری در «وارونگی» به من قبولاند که او بازیگری بسیار مستعد است که کمتر دیده شده، به همین دلیل این بازیکی از نقش‌های اصلی را به او دادم. فکر می‌کنم بازی ستاره در این فیلم، به شکل برجسته‌ای به چشم بیاید.

■ الناز شاکردوست بعد از «خف‌گه» و «شبی که ماه کامل شد» تلاش کرده طبقه بازیگری‌اش را تغییر بدهد. بازی در «من می‌ترسم» هم ادامه منطقی همین مسیر است، حتی می‌شود گفت اینجا به پختگی رسید.

زمانی که پیشنهاد بازی در فیلم به الناز شاکردوست دادم، ایران نبود. در اولین فرصت برگشت و به گروه ما ملحق شد. نکته مهمی که درباره شاکردوست وجود



از معیارهای عقب نشینی نگرده‌ام

دارد این است که انگیزه بالایی دارد تا جنس فیلم‌هایی را که در آنها بازی می‌کرده تغییر بدهد. پیشتر هم بازیگرانی داشتیم که این کار را کرده و موفق بوده‌اند. امیدوارم برای الناز شاکردوست هم اتفاق‌های خوبی بیفتد و بتواند این مسیر را ادامه بدهد.

■ فکرمی‌کنم برای یافتن بازیگر مناسب نباید زیاد تلاش کنید. بازیگرها احتمالاً دوست دارند در فیلم‌های شما بازی کنند.

همان قدر که انسان‌های مختلف و متنوع داریم، بازیگرها هم از این قاعده مستثنی نیستند

■ سینمای شما واقع‌گرا و بازی‌ها کاملاً شبیه زندگی و بدون تصنع است. وقتی بازیگرهایی از طیف‌های مختلف توانایی دارید، همسان‌سازی بازی آنها کار سختی است. این اتفاق در مرحله دور خوانی و تمرین رخ می‌دهد؟ تمرین ویژه‌ای دارید؟

انرژی زیادی برای کار با بازیگر دارم (می‌خندد). قبل از فیلمبرداری با بازیگرها ساعت‌ها تمرین فردی داریم. سر صحنه هم درباره جزئی‌ترین اتفاق‌ها با هم صحبت می‌کنیم. فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین و دشوارترین کارهایی که یک کارگردان موقع فیلمبرداری انجام می‌دهد، یکدست و نزدیک‌کردن بازی‌هاست. بویژه بازیگران ما که از مسیرهای مختلف و دور از هم به یک نقطه رسیده‌اند. البته در این مسیر قابلیت و انعطاف بازیگر خیلی مهم است. بعضی‌ها خیلی سریع با آن جنس از بازی که مد نظر من است، نزدیک و هماهنگ می‌شوند و بعضی بیشتر زمان نیاز دارند تا با این مسیر، همراه شوند.

■ پروسه تولید این فیلم چقدر طول کشید؟ فیلم به صورت سکانس-پلان گرفته شده و فیلمبرداری در این فضا، ساده‌ست. ما حدود دو ماه صرف پیش‌تولید و تمرین کردیم. فیلم ساختار خاصی دارد و نیاز داشتیم تمرین کافی داشته باشیم. خوشبختانه در این فیلم، یک گروه درجه یک و خوب داشتیم که با وجود شرایط سخت تولید، همراهی و همکاری‌شان به فیلم کمک کرد و از شانس‌های حرفه‌ای من بودند.

■ شما از کشف‌های جشنواره فیلم فجر هستید. زمانی که «تنهادوبار زندگی می‌کنیم» در بیست‌وششمین جشنواره روی پرده رفت، حال و هوای جشنواره را عوض کرد. در فاصله این سال‌ها خیلی چیزها در سینمای ما عوض شده. فکرمی‌کنید اسمال هم شاهد چنین اتفاق‌هایی باشیم؟

جشنواره فیلم فجر تابعی از شرایط اجتماعی و فضای کلی سینمای ایران است. جشنواره در ده دوازده سال گذشته هر چه بیشتر به پسند بازار نزدیک شده است. هیجان و جذابیت برای مشتری از مهم‌ترین مؤلفه‌های قانون عرضه و تقاضا